

تلفیق شعر و موسیقی

۱۵

از دکتر مهدی فروغ

در عرف، وقتی صحبت از موسیقی درمیان باشد مقصود موسیقی ساز است، نه آواز. گماینکه در اصطلاح، ساز و آواز را باهم می‌آورند. موسیقی ساز عبارتست از ترکیب و تألیف اصوات بناییک سلسله قوایند و قوانین طبیعی

۱ - علمای قدیم موسیقی کلمات «ترکیب» و «تألیف» را در مورد بخصوص بکار میبرده‌اند. مقصود از تألیف قرار دادن جداها پشت سرهم و بعبارت دیگر ساختن لحن بوده در صورتیکه کلمه ترکیب در مورد توأم کردن دو صدا با هم، بفاصله $\frac{4}{4}$ و $\frac{4}{2}$ و فواصل دیگر بکار برده می‌شده است.

کلمه تضعیف را نیز در مورد مضاعف ساختن صوت بکار میبردند و نوعی از ترکیب، و عبارت بوده است از توأم کردن یک صوت با اوکتاو بالا یا زیر آن یعنی بفاصله $\frac{4}{1}$.

دانستن این موضوع از لحاظ تاریخ تحول موسیقی ایران و جهان برای ماکمال اهمیت و ضرورت را دارد چون بنا بر آنچه گفته شد افتخار ابتکار مقدمات آرمونی که بتعبیر اروپائی اورگانوم (Organum) مینامند، تا آنجا که اسناد موجود و وثق تاریخی حکم میکند، نصیب مردم این سرزمین میشود و در ضمن، علاقمندان بموسیقی ملی که از استعمال آرمونی در موسیقی ایران وحشت و احتراز دارند بلزوم آن متوجه میشوند.

و قراردادی، بقسمی که بیان احساسات عمیق با آن میسر باشد. آواز را قبلاً تعریف کرده‌ایم. تفاوت فاحشی که بین موسیقی ساز و آواز موجود است اینست که در آواز کلام، خود بیان‌کننده احساسات است و تلفظ کلمات اهمیت زیادی در آواز دارد. از اینرو موسیقی را بطور کلی بدو بخش عمده تقسیم میکنند. بخش اول موسیقی مجرد یا مطلق (Absolute music یا Abstract) و بخش دوم را موسیقی توصیفی (Descriptive music یا Program) مینامند.

موسیقی مطلق، مستقل از شعر و کلام، خود الهام‌آور است. احساسات شنونده را بیدار میکند، ولی تفسیر و تأویل مسلمی برای بیان نوع و نحوه هر احساس با آن همراه نیست. تأثیر آن در روح مبهم و غیر قابل تعبیر است. موسیقی توصیفی چنانکه از اسمش استنباط میشود موضوع و مطلب محسوس را توصیف میکند و منشاء الهام آن شعر و هنر و حقایق دیگر زندگی است. این قبیل آثار اگر با کلام هم همراه نباشد معرف یک سلسله احساسات بخصوص یا مبین صحنه‌هایی از حوادث زندگی می‌باشد. عنوان قطعات توصیفی خود حاکی موضوع موسیقی میتواند باشد. این عنوان جنبه شاعرانه یک قطعه موسیقی را بطور خلاصه بیان میکند، و باین وسیله درک مضمون و موضوع آنرا برای شنونده آسان میسازد.

میتوان گفت از همان ایامی که ابتدائی‌ترین اثر تمدن در زندگی بشر پدید آمده آواز بصور مختلف بهترین و جامعترین مسکن آلام و بعبارت دیگر مناسبترین وسیله برای بیان احساسات بشر بوده است. نعره‌هایی که بشر هنگام جنگ و ستیز میکشیده بتدریج کامل شده و بصورت آوازه‌های رزمی درآمده، (افراد ایلات و عشایر ایرانی هنوز هنگام پیکار اشعار رزمی

۱ - اغاب ملاحظه شده است که بعضی از تصنیف‌سازان ما بدون توجه بر رابطه و تناسبی که باید بین عنوان یک قطعه تصنیف و موضوع و متن آن باشد ساخته‌های خود را بنامهای عجیب و دور از ذهن مینامند. مثلاً « باد بهار » و نظائر آن. این عنوانها عموماً بگوش خوش می‌آید ولی هیچ نشانه‌ای در متن موسیقی برای معرفی باد بهار نمیتوان یافت و اگر عنوان را عوض کنیم هیچ تغییری در ماهیت آهنگ یا تأثیر آن در شنونده پدید نمی‌آید.

شاهنامه را بلحن خاصی قرائت میکنند) و استغاثه‌هایی که هنگام نیایش بدرگاه
اصنام میکرده به سرودهای مذهبی تبدیل شده است .

راجع به بیان کلمات ، مخصوصاً تلفظ حروف و حرکات ، و اهمیت آن
در آواز ، تا آنجا که میسر بوده در این سلسله مقالات صحبت کرده‌ایم. اینک
میخواهیم ضمن مقایسه حروف و حرکات در زبان فارسی با حروف و حرکات در
زبانهای زنده جهان وارد ماهیت موضوع بشویم .

مفهوم کلام صریح و روشن است باین معنی که ما حقایقی را با آن بیان
میکنیم و تأثیر آن بسته به میزان حساسیت شنونده میباشد . ولی اثری که آواز
در شخص دارد چیز دیگر است. آواز چگونگی فکر و احساس را توصیف
میکند و این وظیفه از عهده کلام پنهانی بر نمیآید . تأثیر کلام - اگر تأثیری
در بین باشد - آنی و موقتی است. ولی آواز این تأثیر را ممتد میسازد و شخص
را پس از قطع شدن کلام در اندیشه و فکر فرو میبرد یا حالت وجد و سرور را
در آدمی برمی‌انگیزد و این حالت مدت زمانی دوام می‌یابد. از اینجاست که
يك خواننده حساس و دقیق برای افزودن تأثیر احساس در ادای يك کلمه یا
يك هجاء در موارد مقتضی صدا را میکشد و با کلمه‌ای را در لحن تکرار میکند.
وظیفه موسیقی بيك تعبیر ایست که اندیشه و خیال ما را تعبیر و تفسیر
کند و بی‌توجهی باین نکته در کشورها سبب شده است که بسیاری از تصنیف-
های این ایام بی‌مزه و خنک از آب درآید .

اگر این نکته که عالی‌ترین منظور برای تصنیف آواز است رعایت
نشود چه لزوم دارد که ما کلام و لحن را توأم سازیم. بهتر این است که آهنگ
را با ساز بنوازیم و از کلام صرف نظر کنیم. (البته بشرط اینکه ساز كوك
باشد). با توجه باینکه صوت کاملترین وسیله انتقال فکر و اندیشه و احساس
بشر و یکی از عالی‌ترین ودیعه‌هاست که انسان را بر حیوان ممتاز میسازد
وجود بعضی از تصنیفهای پوچ و بی‌تناسب در این ایام مایه کمال تأسف میباشد.

نرمی حروف و روانی حرکات الفبای هر قوم، در لطافت آواز آن قوم
تأثیر بسزائی دارد. در بعضی از زبانها مخارج بعضی از حروف ثقیل است و
بهین نسبت ادای کلمات آن نیز در آواز ثقیل خواهد بود . در بین زبانهای
اروپائی زبان ایتالیائی از لحاظ صوتی مناسبترین و لطیفترین زبان برای

آواز میباشد. در زبان ایتالیائی حرکات از لحاظ صوتی صاف و روانست و در حقیقت از عناصر اصلی زبانهای مختلف جهان تشکیل یافته است. مثل رنگهای اصلی در نقاشی است که پایه و اساس تمام رنگها میباشد. تحقیق درباره تفاوت بین حروف و حرکات هر زبان هنگام صحبت کردن و آواز خواندن مطالبی را که بآن اشاره کرده ایم روشن میسازد. از بین زبانهای اروپائی پنج زبان بیش از همه برای آواز بکار برده شده است باین ترتیب: ایتالیائی - لاتین - فرانسه - آلمانی - انگلیسی. از این پنج زبان، ایتالیائی، همانطور که اشاره شد، بیش از همه برای آواز مناسب است زیرا تفاوت بین تلفظ حروف و حرکات آن هنگام صحبت کردن و آواز خواندن زیاد نیست و زبان انگلیسی از این حیث نامناسبترین آنهاست.

اینک برای تشریح مطلب توضیح میدهیم که تفاوت عمده ای را که در صدای انسان هنگام صحبت کردن و آواز خواندن موجود است از چهار لحاظ میتوان مورد مطالعه قرار داد. مهمترین آنها اینست که هنگام صحبت کردن مدت زمانی که ضمن تلفظ هر حرف یا ادای هر حرکت برای ایجاد ارتعاش مصرف می شود بمیزانی نیست که صدا حالت آواز بخود بگیرد. بنا بر این صدای شخص در موقع تکلم با ارتعاش کمتری همراه است. کسانی که آهنگ خوش و دلپذیری دارند آهنگی هستند که حالت صدای آنان هنگام صحبت کردن بحالت صدایشان هنگام آواز خواندن نزدیک است. ولی انعطافهای متوالی سبب میشود که صدای آنها هنگام صحبت کردن حالت آواز بخود بگیرد. در عین حال شخص متکلم باید دقت کند که هنگام تکلم صدایش لحن آواز نداشته باشد. علت اینکه صدای اغلب گویندگان و هنرپیشه های ما حالت آواز دارد اینست که در صدای آنها انعطافهای کافی و بسوق وجود ندارد.

تفاوت دوم در طرز استفاده از دامنه صداست. اگر دامنه صدای هر کس را بسه قسمت تقسیم کنیم ملاحظه میشود که هنگام صحبت کردن فقط بمترین قسمت آن بکار برده میشود و از دو قسمت دیگر استفاده نمیشود. در صورتیکه در موقع آواز خواندن بیشتر قسمت دوم و سوم بکار میرود. مثلاً دامنه صدای تنور Tenor از «دو» ی زیر پنج خط حامل تا «سی» ی بالای پنج خط میباشد ولی صدائی که هنگام صحبت کردن بکار میرود از «دو» ی زیر پنج



خط تا «لا» ی خط سوم حامل می باشد یعنی فاصله ای که در شکل با نغمه سیاه نمایان شده است. تمام مردم آخر جمله های خود را در روی بمترین صوتی که حنجره آنها تولید میکند ختم میکنند. (عبارات استفهامی از این قاعده مستثنی است).

ولی بمترین نغمه ای که پرده های صوتی میتواند ایجاد کند اغلب در آواز مورد استفاده واقع نمیشود. (صداهای باس و کنترا آلتو از این قاعده مستثنی است).

اگر کسی هنگام صحبت کردن قسمت های بالای دامنه صوتی خود را بکار ببرد میگوئیم بلند حرف میزند و صدایش بگوش ناهنجار و خشن می آید. سومین تفاوت که بیش از تفاوت های دیگر لحن آواز را از لحن مکالمه متمایز میسازد وجود هجاهائی است که معمولاً تکیه صدا روی آنها نمی افتد در صورتیکه هنگام آواز خواندن هجاهای مزبور اغلب جائی واقع میشوند که از لحاظ موسیقی اقتضای دارد تکیه روی آنها گذاشته شود.

چهارم اینکه در آواز کلمات عموماً از لحاظ تلفظ فصیح و درست ادا میشود در صورتیکه در محاوره لهجه های مختلف بکار میرود.

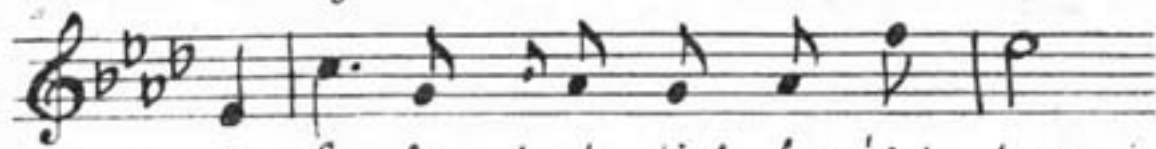
با در نظر گرفتن این چهار نکته ملاحظه میکنیم که بین زبانهای اروپائی زبان ایتالیائی برای آواز از همه متناسبتر میباشد زیرا اولاً تفاوت بین حالت صدا هنگام محاوره و هنگام آواز خواندن در آن بسیار کم است و دوم اینکه تعداد حرکات در زبان ایتالیائی نسبتاً زیاد است و همین خود سبب خوش آهنگی آن میشود. زبان لاتین از این لحاظ در درجه دوم است. تعداد حرکات در زبان لاتین نسبتاً زیاد است ولی حروف هم در آن زبان بهمین نسبت زیاد میباشد.

در زبان فرانسه معمولاً قاعده اینست که هجاهای با اصطلاح لنگ muet را هنگام آواز خواندن تلفظ میکنند و همین امر سبب میشود که بر تعداد

حرکات آن اضافه شود و در نتیجه مانع این میشود که حروف دنبال یکدیگر واقع و یا کلمات روی حروف سخت و خشن ختم شوند .

از این لحاظ میتوان گفت زبان فرانسه بعد از ایتالیائی ولاتین در درجه سوم قرار دارد . ولی کیفیت ادای بعضی از حرکات که مانع میشود صدا بسهولت و راحتی از دهان خارج گردد و بحالت صوتی آن لطمه وارد میسازد از جمله اشکالهای زبان فرانسه میباشد . خواننده آواز بزبان فرانسه باید در ادای این حرکات کمال دقت را بکار برد . همچنین باید مراقب باشد که حروف «ن» (n) و «م» (m) در آخر کلمات به لحن آواز خدشه وارد نسازد . امتیازی که زبان فرانسه بر آلمانی و انگلیسی از این لحاظ دارد اینست که نسبت بین تعداد حرکات و تعداد حروف در زبان فرانسه (البته موقع آواز خواندن) تقریباً یکی است و مثل آلمانی و انگلیسی که مقدار زیادی حرف بدون آنکه حرکتی بین آنها باشد دنبال هم جمع میشوند نیست . ولی زبان آلمانی بخاطر اینکه از لحاظ صافی حرکات بیشتر به ایتالیائی شبیه است بر زبان فرانسه رجحان دارد . با این تفاوت که گاهی حروف در زبان آلمانی طوری بهم میچسبند که فرصت شنیدن حرکات میسر نیست . مخصوصاً تلفظ ü و ö و ä بسیار ناراحت کننده است (ü مثل u در زبان فرانسه ، ä مثل (ای) و ö و ä فواصل بین ا و ا مثل fur در انگلیسی تلفظ میشود) مشکلترین و ناراحت کننده ترین حروف در آلمانی از لحاظ آواز موقعی است که در دنبال (ch) که صدای «خ» میدهد صدای «S» (س) واقع باشد و ذشت تر از این هم موقعی است که همراه «s» (س) صدای «Sch» (ش) باشد . با این وصف در بسیاری از آوازه های آلمانی کلمات روان و لطیف دنبال هم قرار میگیرند و آوازه های شو برت عالیترین نمونه آنهاست .
برای اینکه نمونه ای از توالی کلمات ثقیل در آواز نشان داده شود مثالی از وبر (Weber) که از آهنگسازان معروف آلمان است در اینجا ذکر میشود . وبر آوازه های زیبایی دارد ولی این يك مصراع استثنائاً از لحاظ تلفظ کلمات بسیار ثقیل میباشد .

Allegro



O Se-lig-keit dich fass'ich kaum

در این سطر اولاً تعداد حروف از تعداد حرکات زیادتر است . دوم اینکه چون این لحن باید سریع (Allegro) خوانده شود و «k» (ك) و «g» (گ) قریب‌المخرج است تلفظ آندو پشت سرهم مشکل میباشد . باز ملاحظه میشود که حرفهای «ت» (t) و «د» (d) و «خ» (ch) و «ف» (f) و «س» (s) بدون اینکه تعداد حرکات کافی بین آنها باشد دنبال هم واقع شده و خواندن آنها بی اشکال نیست . نکتهٔ دیگر اینکه کلمهٔ يك هجائی «ایخ» (ich) بعد از يك جهش بلند بفاصله ششم بزرگ باید ادا شود و این خوش آهنگ نمیتواند باشد . بخصوص اینکه در دنبال «خ» (ch) حرف «ك» (k) قرار دارد و خوش صدا نیست .

در مقالهٔ بعد عین این تجزیه و تحلیل را در بارهٔ تلفظ هجاها و تسوالی اصوات در آواز ایرانی بعمل می آوریم .



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی